خبر

«عزیز» در فستیوال سائوپولو

فیلم سینمایی «عزیز» به کارگردانی مجید توکلی در اولین نمایش جهانی‌اش در بخش مسابقه چهل‌وهفتمین جشنواره فیلم سائوپائولوی برزیل رونمایی خواهد شد. این جشنواره معتبرترین رویداد سینمایی آمریکای جنوبی است که هرساله در سائوپائولوی برزیل برگزار می‌شود و در این دوره میزبان فیلم عزیز است.
عزیز به قلم جمیله دارالشفایی نگارش شده و سیدعلی احمدی و مجید توکلی تهیه‌کنندگان آن هستند.
چهل‌وهفتمین جشنواره فیلم سائوپائولو از ۲۷ مهر تا ۱۰ آبان برابر با ۱۹ اکتبر تا یک نوامبر برگزار خواهد شد.
عرضه و پخش بین‌المللی فیلم عزیز به‌عهده محمد اطبایی (مستقل‌های ایرانی) است. آزاده صمدی، روزبه حصاری، بهمن صادق حسنی، رضا عباسی، شیرین محسنی، عقیق بلوری و فاطمه محمدی (در نقش عزیز) بازیگران این فیلم هستند.
همچنین کیوان مقدم مدیر هنری، محسن حسینی مدیر فیلمبرداری، علیرضا علویان طراحی و ترکیب صدا، عباس عباسی طراح گریم، میثم مولایی تدوین، کامران کیان‌ارثی مدیر صدابرداری، بابک صالح طراح صحنه، هدا میرزایی طراح لباس، مسعود سلیمانی دستیار تهیه‌کننده، جواد رمضانی مدیر تولید، محمد امین مدیر تدارکات، سینا بیگی دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز، کوروش جوان عکاس و مریم قربانی‌نیا مشاور رسانه‌ای این پروژه هستند.



دوشنبه‌نوشته‌ها

محمدتقی فهیم | منتقد سینما



هویت‌سازی یا هویت‌زدایی؟

مهر تا اسفند را باید فصل جشنواره‌ها نامید. البته که در هفت ماه دیگر سال رویدادهایی برپا می‌شود، ولی جشنواره‌های پاییز و زمستان رخدادهای تقویمی و استراتژیک هستند تا آنجا که برخی از میانسالی هم عبور کرده‌اند یا به عبارتی همپای خود جمهوری اسلامی قد کشیده‌اند. هرقدر که این جشنواره‌ها در زمینه «کمی» حرفی برای گفتن دارند ولی در گرایش «کیفی» و تاثیرگذاری فرهنگی و خصوصا الگوسازی و بازتولید هویت ملی و مذهبی و سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی با اما و اگرهایی پررنگ مواجه هستند. مثلا جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان در جایگاه یکی از شناخته‌شده‌ترین‌ها (پس از جشنواره فیلم فجر) هیچ‌وقت نتوانسته به انتظارات در راستای اهداف و ماموریتش پاسخ دهد. حتی اگر از منظر هویت‌سازی و الگودهی شخصیتی بخواهیم به قضیه نگاه کنیم، این جشنواره به‌مراتب از اهمیت بالاتری از فجر برخوردار است. این‌که جشنواره فیلم فجر به لحاظ سیاسی و دیپلماسی داخلی و خارجی و نیز رقابت آثار بلند داستانی جایگاه برجسته‌تری دارد شکی نیست، ولی به لحاظ ساخت و پرداخت فوندانسیون سینما و کشف و تقویت استعدادهای بالقوه و همچنین رونق و تثبیت حضور تماشاگر داخلی در سالن‌ها، هیچ مدیومی به اندازه فیلم‌های کودک دارای اهمیت و حساسیت نیست، درحالی‌که جشنواره‌اش نه‌تنها در عمل موثر نبوده است بلکه از خود سینمای نیمه‌جان کودک چند دهه اخیر نیز بی‌خون‌تر، ادامه حیات داده است.
یکی از جدی‌ترین معضلات فراراه جشنواره کودک در سال‌های ماضی، ساختار اجرایی کهنه با نیروهای پس‌مانده و خسته شرطی‌شده در تشکیلات نیمه‌دولتی فارابی است. این ساختار تشکیلاتی نهایتا با مجموعه‌ای از کلیشه‌ها و عملکردی بروکراتیک و شیوه اندیکاتورنویسی برنامه‌ریزی و تبیین و تدوین شده است. بعضا هم که برای تقویت بنیه اجرایی، نیروهایی از بیرون را به یاری طلبیده‌اند، در دایره ارتباط‌ها و افراد فرسوده و فاقد خلاقیت‌های روزآمد و کاربردی بوده است، برای همین است که همواره آیتم‌ها و بخش‌های مختلف در چارچوب الگوهای تکراری و بی‌رمق (یا در بهترین حالت ریتمیک و شلوغ‌کاری میدانی) طراحی و به منصه رسیده است. البته این وضعیت اگر حداقل‌هایی از هویت‌سازی و بحران‌زدایی فرهنگی را به دنبال داشت قابل اغماض، تساهل و تسامح بود اما وقتی نتیجه بررسی چند دوره‌ای جشنواره حاصلی را به ارمغان ندارد، می‌شود فهمید که چقدر همه‌چیز کارمندی، آماری و شعاری بوده است. در زمینه استعدادیابی و پرورش نیروهای جوان نیز جشنواره کودک ماموریتی برای خود قائل بوده است که در چارچوب آمار و ارقام جمع‌بندی می‌شود. برای مثال در نظر بگیرید که فارابی با همکاری سینمای جوان در حاشیه جشنواره، المپیاد فیلمسازی نوجوانان را راه‌اندازی کرد که امسال المپیاد هفتم آن در دستور کار قرار گرفته است.
در همین زمینه در شهریور ۹۴ مدیرعامل بنیاد فارابی که دبیر جشنواره بود و همچنین عضویت در مجمع موسسه سینما شهر را هم یدک می‌کشید، می‌گوید: «خوشبختانه تاکنون حدود هزار نوجوان ۱۲ تا ۱۹ ساله از سراسر کشور برای حضور در المپیاد فیلمسازی به دفاتر انجمن در استان‌های مختلف مراجعه و ثبت‌نام کرده‌اند که پس از طی دوره آموزشی این نوجوانان فیلم کوتاه خود را می‌سازند و ...» حالا در مقطع هفتمین دوره‌اش، باید پرسید که این تشکیلات چه دستاوردی داشته است. درواقع نه علیرضا تابش و نه دیگران در این زمینه چیزی به سینمای ایران تزریق نکردند و کسی هم تاکنون نپرسیده که از آن هزار نفر سال اول و بقیه سال‌های بعد، چند تا فیلمساز شدند و آثارشان در کدامین سالن اکران شده است. نتیجه این‌که از فعالان بخش تبلیغات و روابط عمومی و ستاد خبری بگیرید تا شوراها و هیات‌های کارشناسی و ... اغلب در سیکلی معیوب ولی کاربلد! در پروژه‌بگیری سوار بر جریان و تشکیلات موصوف به جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان هستند، واقعیتی که باید منقلب و دگرگون شود تا شاید چنین رویدادهایی از هویت‌زدایی به هویت‌سازی ارتقا یابند.

گفت‌وگوی «جام جم» با شهرام قدیری، کارگردان «آلفا و ربات نابودگر»

هشدار ورود کودکان به دنیای مدرن



سانازقنبری
گروه فرهنگ و هنر

شهرام قدیری که اکنون با فیلم بلند سینمایی‌اش آلفا و ربات نابودگر در سی و پنجمین دوره از جشنواره فیلم کودک و نوجوان حضور دارد، تجربه سریال‌سازی و برنامه‌سازی بسیاری برای کودکان و نوجوان را در کارنامه هنری خود دارد که از معروف‌ترین آنها می‌توان به برنامه تلویزیونی «نقطه طلایی» و «مهارت» اشاره کرد که هنوز هم در یاد و خاطره همه کودکان دهه‌های پیش نقش بسته است. قدیری که سال‌ها داوری جشن خانه سینما را برعهده داشته، معتقد است «آلفا و ربات نابودگر» را با نگاه و نکته‌سنجی‌هایی ساخته که حتی اگر خودش هم داور بود، آن را می‌پسندید. او در این فیلم روایتی تازه از بچه‌هایی را به تصویر می‌کشد که با هوش مصنوعی آشنایی دارند و در حوزه ربات‌سازی نابغه هستند. در روزهایی که گپ و گفت‌ها حول جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان گرم است، شهرام قدیری در گفت‌وگو با جام‌جم درباره این اثر و همچنین وضعیت سینمای کودکان و نوجوانان توضیحاتی ارائه کرد که در ادامه پیش روی شما قرار می‌گیرد.

آلفا و ربات نابودگر، اولین فیلم بلند سینمایی شما است اما پیشتر مجموعه‌های متعددی را در تلویزیون در حوزه کودک و نوجوان کار کردید. ریشه علاقه به این نوع سینما به کجا برمی‌گردد؟

در آلفا و ربات نابودگر که صرفا کارگردانی کردم اما در تلویزیون با این‌که در اکثر برنامه‌هایم علاوه بر کارگردانی، تهیه‌کنندگی را هم برعهده داشتم ولی هیچ‌وقت مشکلات کار در این حوزه دلسردم نکرد. همیشه با این چشم‌انداز کار کردم که مسیرم سخت است. آنچه فیلمساز کودک را در سینما ترغیب به ادامه کار در این حوزه می‌کند در وهله اول بهبود وضعیت اکران است. زمانی که تصمیم به ساخت آلفا و ربات نابودگر گرفتم، بسیاری از دوستان سینماگرم به من گوشزد می‌کردند که کار کودک انجام ندهم. چون بالای ۲۷۰ فیلم کودک پشت خط اکران مانده است که اصلا معلوم نیست کی اکران می‌شود! هیچ اقبالی هم از سمت سالن‌داران و پخش‌کنندگان برای عرضه فیلم کودک وجود ندارد. همچنین در حوزه کودک حمایت، اکران و گیشه خوبی در این روزها وجود ندارد...

یعنی با علم به این‌که سینمای کودک گیشه خوبی ندارد، اولین فیلم بلند سینمایی‌تان را در این حوزه ساختید؟

نظر من این نیست. این‌طور می‌گویند، مثال نقضش هم فیلم «بچه‌زرنگ» و...

البته متولیان سینمایی همیشه می‌گویند که از سینمای کودک حمایت می‌کنند. درباره حمایت دولت از این ژانر بگویید. آیا واقعا چنین اتفاقی افتاده است؟

من خودم سرمایه‌گذار صد درصد فیلمم هستم. حمایت از سینمای کودک در شعار خیلی قشنگ است اما واقعیت این است که با شعار نمی‌توان کاری پیش برد. اگر در عمل حمایتی از این نوع سینما بود، چرا من خودم باید سرمایه‌گذار تمام و کمال این فیلم می‌شدم؟ موضوع فیلم من در حوزه ربات و رباتیک است که متاسفانه هیچ بانی و متولی‌ای در ایران ندارد. سازمان علمی و فرهنگی وقتی متوجه ساخت این فیلم برای کودکان شد، هیچ حمایتی از ما نکرد. من ماشین زیر پایم را فروختم تا این فیلم را ساختم. هیچ حمایتی تا این لحظه از فیلمم نشده. در صورتی که اگر حتی یک حمایت اندک از من در به‌ثمر رسیدن این فیلم انجام شود، بلافاصله پیش‌تولید فیلم بعدی‌ام را در همین حوزه آغاز می‌کنم.

با همین موضوع ربات و رباتیک؟

خیر، دیگر هیچ‌زمان درباره ربات و رباتیک کاری انجام نمی‌دهم. چون همان‌طور که گفتم هیچ متولی‌ای در ایران ندارد. من عاشق بچه‌ها هستم و کار کردن برای‌شان را دوست دارم. بچه‌های امروز محتوا ندارند و با انیمیشن‌های خارجی بزرگ می‌شوند که محتوای ارزنده و متناسب با فرهنگ ما ندارند. برای بچه‌ها امروز، ضدارزش‌ها کم‌کم تبدیل به ارزش می‌شود. چون ما کم‌کاری کردیم و به آنها خوراک فرهنگی مناسب ندادیم.

برویم سراغ آلفا و ربات نابودگر؛ قصه این فیلم از کجا و چگونه شکل گرفت؟

مدت‌ها به تولید فیلمی برای کودکان فکر می‌کردم که فراتر از موضوعات قدیمی‌ای مثل صندوقچه کهنه و اسرارآمیز، تیله، بادبادک‌بازی و... باشد. این مضامین هم البته در جای خود بسیار زیبا است، اما کودک امروز دیگر کمتر به این موضوعات علاقه نشان می‌دهد. به همین دلیل دوست داشتم موضوع جدیدی را مطرح کنم. بچه‌های دانشمندی را نشان دهم که در مدارس و مقاطع مختلف تحصیلی به بحث رباتیک می‌پردازند اما در هیچ فیلم و سریالی به آنها پرداخته نمی‌شود. به هر حال با بهروز نشان (تهیه‌کننده) درباره این موضوع و نیاز کودکان امروز صحبت کردم و در نهایت تصمیم گرفتیم که کار مدرنی بسازیم. بعد از آن فیلمنامه توسط محمدجواد صالحی به نگارش درآمد و نزدیک شش هفت ماه چندین بار بازنویسی شد. منتها نکته شاخصی که در این فیلم برای اولین بار در ایران به اجرا درآمده، این است که دو سه دقیقه ابتدایی فیلم با کمک هوش مصنوعی ساخته شده. به این معنا که سراغ متخصصانی رفتیم که در ابتدای فیلم هوش مصنوعی را با جلوه‌های ویژه کامپیوتری تلفیق کردند. هیچ فیلمی تا به حال این ریسک را نکرده بود و ما انجام دادیم که به نتیجه مثبتی هم رسیدیم.

پس برای ساخت این فیلم به سلیقه و علاقه‌مندی‌های کودکان امروزی خیلی توجه داشتید؟

من در مورد کودکان مطالعات زیادی انجام می‌دهم و معمولا سراغ مباحثی در حوزه کودک می‌روم که روان‌شناسی در آن نقش پررنگی داشته باشد. با توجه به سلایق و نیاز دغدغه‌مندی‌های کودکان امروز به این نتیجه رسیدم که نیاز بچه‌های کنونی موضوعاتی مدرن (مثل مباحث رباتیک، آی‌تی، فضا و...) است. کودکان امروز قاب کوچکی به نام موبایل در اختیار دارند که آنها را به جهان متصل می‌کند و می‌توانند دنیا را رصد کنند. در نتیجه بهتر است با کودکان امروز همراه شویم.

به عنوان یک فیلمساز کودک چقدر معتقدید که در فیلم کودکان باید نکات آموزشی برای بچه‌ها داشته باشیم؟

شخصا به فیلم‌هایی علاقه‌مندم که بیشتر جنبه آموزشی داشته باشد. مثلا در فیلم آلفا و ربات نابودگر در دقایق آخر که بچه‌ها گرفتار جادوگر شدند و از ربات می‌ترسند مادر نجات‌شان می‌دهد؛ مادری که شاید افکار سنتی و مخالف بچه‌ها داشت. در واقع می‌خواستم به بعضی از بچه‌های امروز که خودشان را عقل کل می‌دانند و پدر و مادرهای‌شان را قبول ندارند این پیام را منتقل کنم که در انتهای هر راهی پدر و مادر پناه و ناجی‌شان است.

از آنجا که توجه به شخصیت‌پردازی در فیلم باعث همذات‌پنداری بیشتر مخاطب و جلب توجه بیشتر او می‌شود، چقدر این مسأله را در فیلم‌تان لحاظ کردید؟

بدیهی است که مخاطبان اصلی فیلم من کودکان و نوجوانان هستند اما این پدرها و مادرها هستند که فرزندان‌شان را به سالن سینما می‌آورند و خواه‌ناخواه فیلم را تماشا می‌کنند. بنابراین از بازیگرانی برای بازی در فیلمم دعوت کردم که هم محبوب کودکان هستند، هم بزرگسالان. ضمن این‌که این بازیگران محتوا و دیالوگ‌هایی با هم داشتند که برای بزرگسالان هم جذابیت داشت. در اینجا لازم است یادی هم کنم از مرحوم آرش میراحمدی که این فیلم آخرین بازی‌شان بود. کلا شخصیت‌پردازی برای من بسیار مهم است. هر چند قهرمان اصلی فیلم یک کودک است اما در کنارش، دوستانش را دارد که نقش این گروه در کمک‌رسانی به قهرمان اصلی خیلی مهم است.

سینمای کودک در هر شرایطی نیاز به حمایت دارد و مهم‌ترین حمایت از آن در واقع موضوع اکران است که متاسفانه در چند سال اخیر به کما رفته. دلیل این اتفاق را در چه می‌دانید؟

سینمای کودک سه نیاز عمده دارد؛ اول این‌که وقتی ده‌ها فیلم کودک منتظر اکران هستند باید سینمایی مختص به کودکان داشته باشیم. مسأله دوم حمایت است. چند وقت پیش یکی از دوستان به من گفت خیلی خوب است که این کار را برای کودک ساختی اما سال بعد برای بزرگسال کار بساز. در حالی که کار برای کودک را دوست دارم. هر چند که برخلاف تصور بعضی‌ها سخت‌تر هم است. مثلا ارتباط برقرارکردن من در جایگاه کارگردان با بازیگر بزرگسال راحت‌تر از کودک است و بزرگسال بهتر می‌تواند خواسته من جلوی دوربین را اجرا کند. اگر از من حمایت شود من به عنوان فیلمساز با وجود تمام مشکلات به ساخت دوباره در این ژانر ترغیب می‌شوم و مسأله سوم که متاسفانه به‌تازگی هم باب شده دستمزدهای سرسام‌آور بازیگران و حتی عوامل پشت صحنه است! مسئولان سینمایی در این شرایط می‌توانند خودشان مثلا محلی را برای انجام امور مراحل پس از تولید فیلم‌ها در نظر بگیرند که حداقل بار این هزینه از ما برداشته شود؛ مواردی مثل تدوین، اصلاح رنگ، تیتراژو... بسیار هزینه‌بر است.



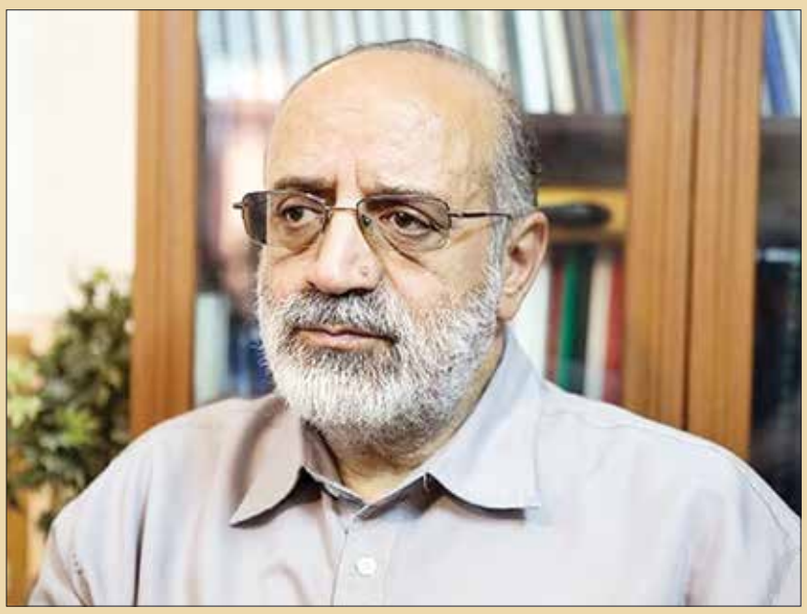


برش

چگونه سینمای کودک رونق گیرد؟

ما در کشورمان فیلمساز کودک ارزنده بسیار داریم، اما این‌که چرا دیگر سینمای کودک و نوجوان مثل دهه‌های ۶۰ و ۷۰ پررونق نیست را باید بررسی کرد. در حال حاضر بعضی از شبکه‌های تخصصی کودک بیشتر از این‌که آنتن‌داری کنند، شبکه‌داری می‌کنند. یعنی بروکراسی‌های اداری ارجح به آن چیزی است که روی آنتن می‌رود! متولیان فرهنگی کودک و نوجوان باید نگاه‌شان را دغدغه‌مند و ارتقا ببخشند و با جان و دل‌شان از آثار این حوزه استقبال کنند. سینمای کودک و نوجوان بسیار مهجور است. آن‌قدر مهجور که اگر به آن رسیدگی نشود دیگر چیزی باقی نمی‌ماند و در سال‌های آینده فیلم‌های خارجی صددرصد جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان را فرامی‌گیرد. البته فی‌النفسه حضور فیلم‌های خارجی در جشنواره کودک اتفاق ناخوشایندی نیست. چون حضور این فیلم‌ها باعث می‌شود با نوع و اشل داستانگویی‌شان آشنا شویم و این جشنواره جنبه‌ای بین‌المللی و رسمی پیدا کند، اما نکته حائز اهمیت در این باره تعداد محدود و مشخص فیلم‌های خارجی در جشنواره داخلی است. چه دلیلی دارد که فیلم‌های خارجی بخش اعظمی از آثار جشنواره را به خود اختصاص دهد؟ چقدر کارگردان و تهیه‌کننده کارآمد باتجربه داریم که الان در خانه نشسته‌اند! اینها اگر اندک حمایتی شوند آثاری می‌سازند که در سینمای کودک و نوجوان ایران ماندگار می‌شود.

قاب



یادی از فیلم «۳۳ روز»

به مناسبت پیروزی نبرد «طوفان‌الاقصی» مقابل رژیم اشغالگر قدس، از فیلم «۳۳ روز» به کارگردانی جمال شورجه که این روزها متأسفانه بیمار است، یاد می‌کنیم.
۳۳ روز فیلمی جنگی و درام محصول ۲۰۱۲ ایران و لبنان است که تهیه‌کنندگی آن را نیز مهدی همایون‌فر به‌عهده داشت. ۳۳ روز روایتی واقعی از مقاومت روستایی مجاور با اشغالگران صهیونیستی است که از حمله اسرائیلی‌ها به دیگر جناح‌های مقاومت جلوگیری می‌کند. پیر داغر، باسم مغنیه، یوسف الخال و... ازجمله بازیگران اصلی این فیلم هستند.

رویداد



فیلمساز ایرانی، بهترین کارگردان جشنواره ایتالیا

میثم حسن‌زاده بهترین کارگردان جشنواره بین‌المللی فیلم سینمایی در ایتالیا شد. فیلم سینمایی «دوار» به تهیه‌کنندگی علیرضا علویان جایزه بهترین کارگردانی را از داوران این جشنواره؛ آندره آلاموری، ماتئو پاپی و آلبرت بوچی دریافت کرد.
فیلم داستانی دوار با موضوعی اجتماعی، دو سال قبل در مشهد ساخته شد و اسفند سال گذشته در تهران و مشهد برای نخستین‌بار به نمایش درآمد و از ویژگی‌های فیلم این است که همه بازیگرانش مشهدی هستند.
داستان دوار درباره «میلاد» موزیسینی است که فراموشی دارد. او برای این‌که بیماری فراموشی برایش مشکل‌ساز نشود، تمام برنامه‌های زندگی‌اش را به‌وسیله یادآوری‌های زنگ گوشی‌اش تنظیم کرده است. قصه از جایی در خاطر میلاد شکل می‌گیرد که مهسا نامزدش رفته و او به دنبال کشف ماجراست.
در این بین میلاد مدام خود و سرنوشتش را با فردی مرکوری، خواننده معروف گروه کوبین مقایسه می‌کند. میلاد خزاعی، مهسا اکبرپور، راحیل کافی و... ازجمله بازیگران این فیلم هستند./ایرنا

فرهنگی



فروش ۱۲ میلیاردی محصولات بچه‌زرنگ

تهیه‌کننده پویانمایی بچه‌زرنگ گفت: بیش از ۱۰۰ هزار محصول در ۱۴ دسته از فیلم بچه‌زرنگ عرضه شد که حدود ۱۲ میلیارد تومان به فروش رفته است.
یکی از غرفه‌های نمایشگاه ایران‌نوشت متعلق به پویانمایی سینمایی ایرانی بچه‌زرنگ بود که عوامل سازنده آن تلاش کرده بودند تا محصولات مرتبط با کاراکترهای ایرانی این اثر را برای سال تحصیلی جدید به دست بچه‌ها برسانند.
بچه‌زرنگ محصولی از گروه هنر پویا و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که به تهیه‌کنندگی حامد جعفری ساخته شده است.
گروه هنر پویا پیش از این پویانمایی «شاهزاده روم» و «فیلشاه» را هم به تولید رسانده بود که هر دوی این آثار همزمان با اکران و بعد از آن در حوزه مرچندایز، زنجیره‌ای از محصولات را عرضه کرده و با استقبال مواجه شده بودند. براساس آمار منتشره از غرفه بچه‌زرنگ در دهمین نمایشگاه ایران‌نوشت، ببری و بچه‌زرنگ دو شخصیت محبوب مخاطبان در محصولات ارائه شده از پویانمایی بچه‌زرنگ شناخته شد.